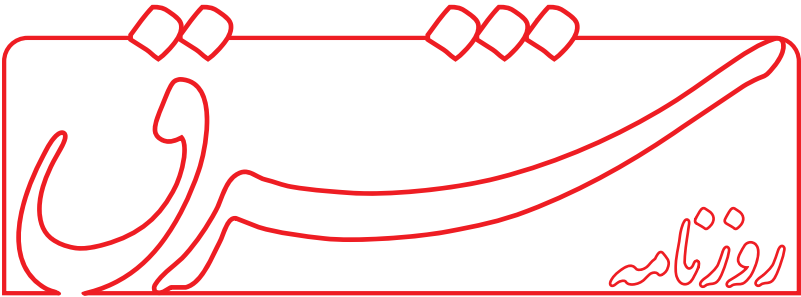




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیبا، پلاک ۶
تلفن: ۸۸۶۴۳۹-۰۹۲ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

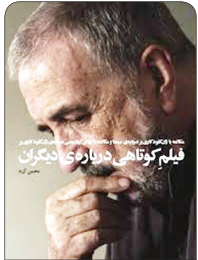
تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۴۴ اذان صبح فردا ۴:۱۲ طلوع آفتاب ۵:۵۶



دوشنبه ۱۷ تیر ۱۳۹۲ ۲۹ شعبان ۱۴۳۴ ۸ جولای ۲۰۱۳ سال دهم شماره ۱۷۷۶ صفحه ۱۶

رونمایی از «فیلم کوتاهی درباره دیگران»

شرق: کتاب «فیلم کوتاهی درباره دیگران» در کتابفروشی نشر چشمه رونمایی می‌شود. این کتاب، مکالمه‌های محسن آرزم-منتقد سینما و روزنامه‌نگار- است با ژان کلود کاریری درباره سینما و عباس کیارستمی درباره ژان کلود کاریری که به بهانه انتشار این کتاب، رونمایی، جشن امضا و دیدار با اهالی سینما، در کتابفروشی نشر چشمه روز سه‌شنبه، ۱۸ تیر ۱۳۹۲، از ساعت شش تا هشت عصر برگزار می‌شود. کتابفروشی نشر چشمه در خیابان کریم‌خان زند، نیش‌میزای شیرازی واقع شده است.



از هر نظری ضرر

خلاصه خبرها



پوریا عالمی

بالا و پایین

رسماً کشید بالا قیمت دلار را عرض می‌کنم، ما راضی هستیم. تا دیروز رسمی پایین بود، غیررسمی هم می‌رفت بالا و بالاتر. آدم معذب بود، بازار معذب بود. کسبه معذب بودند. دانشجویان معذب بودند. اقتصاددانان معذب بودند. وزیر اقتصاد که نه، انجمن کشتی‌گیران خراج از گوشت همه معذب بودند. فقط جمشید بسمل- و اوراد دیگر راضی بودند. الان خوشبختانه دولت هم کشید بالا و مردم و دولت در یک وضعیت قرار گرفتند و بالا و پایین مسایل اقتصادی یکی شده است. اما تحلیلگران اقتصادی واقعا هنگ کردند و دیگر نمی‌دانند چیکار کنند. یکی شان گفت: قیلا رسی پایین بود، آزاد بالا می‌کشید. الان رسمی را بالا کشیدند، آزاد چیکار کند؟ لطفاً مسوولان مدنظر قرار دهند.

اداره سیاسی

حاجی‌بابایی گفت: «آموزش و پرورش را سیاسی اداره نکردیم، ما متوجه شدیم از اساس با حاجی‌بابایی اختلاف‌نظر داریم. یعنی وزیر معتقد است کاری که توی این مدت کرده «اداره کردن» بوده، اما سیاسی اداره نکرد. در حالی که ما تا حالا فکر می‌کردیم آموزش و پرورش را وزارت کشاورزی اداره می‌کند. یعنی انداختند تگ مناطق بران‌خیز و دیهیم‌دیمی بهش می‌رسند. راستش، از شما چه پنهان، دیهیم‌دیمی هم بهش بازدهی داشت و آمار تلفات و مصیبت‌هاش کمتر بود. فرهنگستان فانتزی زبان و ادب فارسی

«برستاره» از تجربه به بارکنج نگرست و همجوار آبشویه افشانه زد و با باغچه را کناری زد. سپس در پژوئنان دنبال پژوئن جاها گشت اما نبود چراغک سرد بود و خمیراک ماسیده بود. بادش آمد پی‌غلظت نخورده هوس برک کرد. ابرستاره در پایان اعصابش خرد شد و سه تا پوشینه خورد و پوشن را از روی چتربال برداشت و خودش را از دست فرهنگستان زبان و ادب فارسی فانتزی با بادبیر به بیرون پرت کرد. متن بالا با استفاده از کلمات جدید مصوب فرهنگستان مخفم زبان و ادب فارسی تهیه شده است که برای چراندن بچه مناسب است.

کلمات پایین مصوبات فرهنگستان فانتزی است که احتمالاً برای شادسازی جامعه تهیه شده است.

ابرستاره = سوپر استار / بارکنج = کانیتیر

آبشویه = فلاش / تاک / افشانه = اسپری

باغچه = کابل / پژوئنان = زونکن

پژوئن‌جا = فایل / چراغک = وارمر

خمیراک = پاستا / پی‌غلظت = دسر

برگک = چیپس / پوشینه = کپسول

پوشن = کاور / چتربال = پاراگلایدر

بادبیر = گلایدر / فانتزی = نامتعارف، غیر معمولی، غیر ضروری.

با این اوصاف به نظر که عملگر در فرهنگستان زبان و ادب فارسی کاملاً فانتزی است. پایان.

ادامه از ستون آقا BIC

وقتی آقا محسن آمد خوشگناری، پدرم آنقدر مودب بود که همه ما تعجب کردیم. ۱۰ دقیقه‌ای از میهمانی که در سکوت گذشت، ناگهان پدرم گفت: «من شما رو جایی ندیدم!» آقا محسن گفت: «نه والا، من به خاطر نمی‌ارم» اعظم جای آورد. پدرم گفت: «ایدم اومد، شما رو توی یوسف‌آباد دیدم» آقا محسن تو فکر فرو رفت و گفت: «من هرگز یوسف‌آباد نبودم» پدرم گفت: «چرا چرا مطمئنم اتفاقاً با خلمنتون بحثون شده بود» آقا محسن گفت: «خالمم!» پدرم گفت: «بله سر قیمت تخت‌خوابی که سفارش داده بودید و من با واست آوردم» آقا محسن آرام گفت: «اشتباه می‌کنید» پدر صدایش را بالا برد و گفت: «واقعاً شرم‌آور من دروغ‌گوام!!» آقا محسن بلند شد و گفت: «اشتباه می‌کنید. اشتباهه» زانوهایش سست شد و از حال رفت و دراز به دراز افتاد کف اتاق مادرش گریه‌کنان رفت بالای سرش، همان‌طور که خودش را می‌زد گفت: «بچه‌ام از دست رفت» اعظم گفت: «واقعاً راست می‌گی بابا؟» پدر گفت: «تعبلاً شوخی کردم. فکر نمی‌کردم اینقدر کم‌جنبه باشه» مادر محسن زلزله به پدر و پدر برای اینکه کند کاری‌اش را درست کند، گفت: «بابای، زود باشید ببر بمش در مانگا»

مرگ مولف

۵۱ سال پس از «ویلیام فاکتر»، خالق «خشم و هیاهو»

سلسله در سلسله شاهدانند



مالح حسینی

من به شرح حال نویسندگان و شاعران علاقه چندانی ندارم. مهم این است که بدانیم در فاصله میلاد و مرگشان چه کرده‌اند. بنابراین از شرح حال «فاکتر» بهتر است به همین بسنده کنم که از کاتبان است و بهترین تعبیر هم در وصف کاتبان، اینکه-به قول هوشنگ گلشیری- سلسله در سلسله شاهدانند. بعد از این مختصر، خطابه «فاکتر» را - که خود ترجمه کرده‌ام- به‌مناسبت قبول جایزه نوبل در سالمرگ او ذیلاً می‌آورم:

«احساس می‌کنم این جایزه را نه به شخص من که به آثارم- که حاصل عمری پیر از عذاب و عرق‌ریزی روح آدمی‌است- داده‌اند، آن هم نه به قصد کسب افتخار و از آن کمتر مال، بلکه به این لحظه را کنگروه‌ای سازم و صدایم را به گوش مردان و زنان جوانی برسانم که عمر خویش را وقف همان رنج و درد زایمان کرده‌اند و در بین آنان کسی هست که روزی در جای کنونی من قرار می‌گیرد.

تراژدی زمانه ما هراس جسمانی همگانی و جهان‌گیری‌است که چون دیر پاییده است یاری تحملش از نیز پیدا کرده‌ایم. دیگر از مسایل روز سخنی نمی‌رود و پرسشی جز این در میانه نیست که کی تکه‌تکه خواهیم شد؟ به همین سبب نویسنده جوان امروزی مسایل دل آدمی را از یاد برده است. دل در کار کشمکش با خود که مایه نوشته خوب است و بد، که تنها همین است که ارزش نوشتن دارد و رنج و عرق‌ریزی روح براننده آن است.

نویسنده جوان چاره‌ای جز بازآموزی این مسایل ندارد. بر اوست که به خود بیاموزد که ترسیدن کمال خوارم‌یابی‌است و همین که آن را به خود آموخت یکسره باید از یادش ببرد و در کارگاه خویش جز از برای صداقت و حقیقت دل- حقایق دیرین جهانی که بی آنها هر داستانی بدفرجام و ناپایدار است-

یعنی عشق و شرف و شفقت و غرور و دلسوزی و از خودگذشتگی جایی برای چیز دیگری نگذارد. و تا چنین نکند دچار نفرین خواهد بود و دیگر نه از عشق که از شهوت، از شکست‌هایی که هیچ‌کس چیز با ارزشی را از دست نمی‌دهد، از پیروزی‌های



حافظ خیایوی

از «فاکتر» یاد بگیریم پوست کلفت باشیم

بودم. در آن شب‌ها بود که بین ساعت ۱۲ تا چهار صبح کتاب در بستر مرگم را در مدت شش هفته نوشتم. این مطلب را که در کتاب «تفسیرهای زندگی» ویل و اریل دورانت، ترجمه ابراهیم مشعری به نقل از «فاکتر» خوانده بودم به دوستی می‌گفتم که دیگر بهانه‌ای برای ننوشتن نیست. گفت: «فاکتر خیالانش تخت بود که کتابش چاپ می‌شود و تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد.» حق با او بود؟ آیا می‌توان از سخت‌جانی «فاکتر» یاد گرفت تنبلی را نغله کرد و نوشت؟ آیا ما هم می‌توانیم در آن شریاطی که «فاکتر» نوشت بنویسیم؟ آیا «فاکتر» می‌توانست در همچون جایی بنویسد بی‌آنکه امید چندانی به چاپ و نشر نوشته‌اش داشته باشد؟ امروز روز مرگ «فاکتر» است. سعی می‌کنم از او یاد بگیرم که تلاش کنم، جان بکنم، پوستم را کلفت کنم و بنویسم و امید داشته باشم که نوشته‌ام چاپ می‌شود.



نازنین جمشیدی
nana.jamshidi@gmail.com

کارتون خواب

سایت خبری ایتنا: ساخت فناوری جدید برای دیدن پشت دیوار



بیهی

توفان «خوشه» در شب‌های شعر فارسی



داریوش معمار

و اجرایی او به‌خوبی می‌آید. شب‌های خوشه توسط نادرپور، شهروندی، برهانی، شاملو و م. آزاد برگزار شد، در این شب‌ها گروه‌های مختلف ادبی، شعر خواندند و به‌جز تعدادی از شاعران «شعر دیگر» که به این برنامه دعوت شده بودند یا حضور پیدا نکردند یا شعرخوانی انجام ندادند، اما سایر افراد استقبال بسیاری از این جمع فرهنگی به عمل آوردند. آتش، خوبی، سیاللو، احمدرضا احمدی، نیستانی، باباجاهی، نوری علاء، رحمانی، مشیری، اخوان، الهی، لوجی، حقوقی گلشیری، رویایی، سلطانپور، ایرانی، صدیق، بهنود و گوثری و... تعدادی از شاعران حاضر در این برنامه بودند که شعرخوانی داشتند. در سال‌های پس از انقلاب شاید گردهم‌آیی «شاعران مستقل سراسر ایران» که با همت علیشاه مولوی و تعدادی از شاعران جوان و حمایت چند مجله فرهنگی (گوهران، نافه، خوانش) در سه شب نمایشگاه کتاب تهران سال ۱۳۸۳ برگزار شد، تنها نمونه مشابه بوده که با حضور تعدادی از شاعران نقاط مختلف ایران و همراهی چهارم‌های شاخص ادبی مانند سیاللو به صورت خصوصی برگزار شد و یاد شب‌های خوشه را زنده کرد، هر چند استقبال مردمی نه از این برنامه نه هیچ برنامه مشابه دیگری مانند شب‌های شعر خوشه و گوته به صورت خودجوش تا امروز به عمل نیامده است.

شب‌های خوشه حرکتی ادبی و اجتماعی در راستای بروز چهارم‌های کنگر و پیشرو از شعر فارسی بود که شعر نو را به معنای واقعی آن در میان مردم آورد، در این شب‌ها شعر از کافها و جمع‌های خصوصی به صورت مستقیم کنار مردم نشست و به خصوص علاقه‌مندان جوان ادبیات را در ردروی شاعران مورد علاقه‌شان قرار داد تا چهره دقیق‌تری از هنر و ذوق ایشان برای جامعه تصویر شود. خوشه به خوانندگان شعر شور و هجانی بخشید که سال‌ها از آن محروم مانده بودند.

مبلمان اداری لونا
info@lona-co.com



لونا، تضمین زیبایی و آرامش محیط کار شما

۷۷۷۲۴۷۳۹-۷۷۷۴۲۷۶۴